رازی و خوانندگان

مقدمه:

گزارش یك واقعیت پیرامون قیمت دارو در ایران، مطلبی بود که در شماره آذر ماه سال ۶۹ رازی چاپ شده بود. در ارتباط با این مطلب، مقاله‌ای بدستمان رسیده است که واقعیت قدرت خرید پائین اقشار کم درآمد جامعه را هدف قرار داده و نتیجه گرفته است که باین دلیل نبایستی دارو گران شود. ولی حتماً این همکارمان می‌دانند که امروز در جامعه تنها داروست که قیمتش هیچگونه تناسبی با سایر قیمتها ندارد، تا جائی که می‌توان دارو را تنها مغضوب افزایش قیمتها در جامعه دانست. بهرحال بحث پیرامون این نکته بسیار است و این اشارت نیز باین دلیل بود که بگوئیم نظرمان همانست که در آن مقاله گفته بودیم، لیکن چون این صفحه متعلق به خودتان است و محلی برای تبادل تفکرات و نظریات گوناگون پیرامون دارو و داروسازی از یك سو و دیگر مسائل پزشکی و درمانی از سوئی دیگر می‌باشد، همیشه آماده درج اظهار نظرها، انتقادات و ارشادات همکاران عزیز خواهیم بود. البته در این قسمت سه نامه دیگر نیز داریم که برای روشن شدن اذهان دیگر همکاران اقدام به درجشان می کنیم. در خاتمه پوزش ما را در تأخیر چاپ نامه‌هایتان بپذیرید: ولی یك واقعیت را بد نیست که همکاران عزیز بدانند و

آن اینکه زمانیکه نامه شما به دست ما می‌رسد حداقل چهار شماره نشریه بسته شده و برای حروف‌چینی و دیگر مقدمات چاپ به قسمت فنی ارسال شده است. این هم به این خاطر است که تنها در چنین صورتی می‌توانیم نشریه را بموقع و بدون تأخیر از چاپ خارج کرده و در

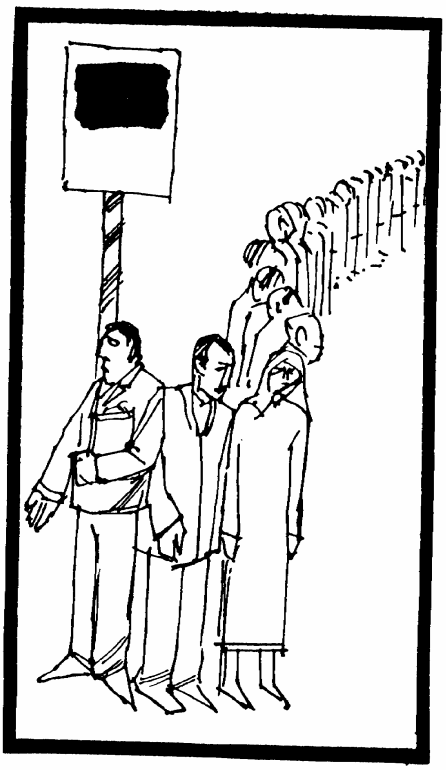

اختیارتان قرار دهیم. این را گفتیم که شما نیز در جریان کار قرار گرفته و انتظار نداشته باشید که نامه‌هایتان زودتر از چهار الی شش ماه پس از دریافت در این صفحه چاپ شود. البته یك دلیل دیگر در نوبت ماندن نامه‌های شما، کثرت آنها است که حاکی از لطف و محبتتان به نشریه خودتان می‌باشد. بهرحال دلایل فوق بهمراه محدودیت صفحات مربوط به «رازی و خوانندگان» ما را شرمنده تأخیر چاپ نامه‌های شما می‌کند که امیدواریم یکبار دیگر پوزش ما را بپذیرید و باسعه صدر بزرگوارنه خودتان، علیرغم توضیحات فوق، کماکان با ما مکاتبه داشته و از لطف و محبت خویش محروممان نسازید.

سردبیر

سردبیر محترم ماهنامه رازی:

باعرض سلام و آرزوی توفیق روزافزون برای آن همکار عزیز، مطلبی را ارسال می‌نمایم در صورت صلاحدید بچاپ آن اقدام فرمایید.

گزارش واقعیت دیگر

داروخانه برخلاف همیشه شلوغ بود. توده هوای سرد که منتظر آمدنش بودیم کار خودش را کرده بود و مردم را روانه دکتر و داروخانه نموده بود. مرد و زن پیر و جوان نسخه بدست و بعضاً بی‌نسخه در جستجوی دارو بودند صدای کلماتی آشنا مرتباً در داروخانه بگوش میرسید: قرص و آمپولش را نداریم بقیه را داریم، شربت را فقط داریم بقیه را نداریم، مشابه داریم، مشابه و مشابه، نداریم و نداریمو آدرس داروخانه‌های دولتی.

پیرزن خسته و ناتوانی که به آرامی با یکی از کارمندان داروخانه در صحبت بود نظر من را بخود جلب کرد. از زیر عینکم نگاهی باو کردم. چون صحبت او با کارمندم بدرازا کشیده بود و

در این شلوغی داروخانه نمی‌خواستم وقت کسی تلف شود و ازهمه خسته‌تر خودم را احساس می‌کردم، پرسیدم آقا سعید چه شده جریان چیست؟ گفت این حاجی خانم مشکلی دارد که می‌خواهد با شما درمیان بگذارد. نمی‌دانستم چه بکنم خواهش کردم کمی بنشیند در اولین فرصت بسراغش خواهم رفت. کمی که داروخانه خلوت شد رفتم جلو دیدم نسخه‌ای بدست دارد: کلوفیبرات. گفتم خوب داروی شما را که داریم، مشکل شما چیست؟ گفت بله آقای دکتر ولی من بیشتر از بیست تومان ندارم اینطور که بچه‌های شما می‌گن دویست تومان شده است. گفتم بله. پیرزن گفت: من که دویست تومان ندارم چون حاجی هم مدتی است که بعلت کمر درد شدید سر کار نمی‌رود و در منزل خوابیده است دیگ و سه‌پایه ما را هم کسی نمی‌خرد این بیست تومان را هم اکبر آقا همسایه‌مان داده است حال شوهرم هم با ده عدد قرص درست بشو نیست. ناراحتی قبلیش از یك طرف، بالا بودن چربی خونش از یك طرف و کمر دردش هم از طرف دیگه ما را کلافه کرده است. می‌خواستم بگویم بگو برود ورزش کند یا پیاده‌روی کند که فوراً زبانم را گاز گرفتم که بابا مریض ما قادر بحرکت نیست بالا بودن چربی خونش هم ناشی از پرخوری نیست بلکه احتمالاً علت دیگری دارد که دیدم پیرزن در میان مردمی که در جلوی داروخانه ازدحام کرده بودند ناپدید شد. بسرعت منگی حاصل از این برخورد از سرم پرید و خواستم بسراغش بروم که سعید گفت آقای دکتر یك جعبه به او دادم و پولش را

نگرفتم. با خود اندیشیدم اگر افزایش قیمت دارو کمترین اثرش این باشد که کمر طبقه مستضعف جامعه بیش از پیش در زیر بار تورم و گرانی خورد و شکسته شود آیا کل دستاورد نظام دارویی مملکت زیر سئوال نخواهد رفت؟

با تقدیم احترام

دکتر رهبر مژدهی آذر

دوست ارجمند و گرانقدرم جناب آقای دکتر سیامك‌نژاد

با سلام و آرزوی توفیق و با تشکر از درج مطلب ارسالی این حقیر در شماره دی‌ماه ماهنامه رازی باستحضار می‌رسانم در متن چاپ شده اشتباهاتی رخ داده بود که استدعا دارم بخاطر روشن شدن ذهن خوانندگان و رفع هرگونه ابهام در شماره بعدی تصحیح گردد.

۱ ـ در سطر ۸ صفحه ۷۴ ستون اول «.... از درد دندان زمین را گاز می‌گیرد» بوده که اشتباهاً «زنی» چاپ شده بود.

۲ ـ در سطر دوم و دوازدهم ستون ۲ همان صفحه ...تالی ساختند و ...برای، تالی بتراشند بوده که اشتباهاً «قالی» چاپ شده و همانطور که استحضار دارید تالی در اصطلاح عامه بمعنای جفت ـ شبیه ـ همانند بکار می‌رود و در فرهنگ عمید «پیرو ـ تابع ـ آنچه بعداً می‌آید و....» معنا شده است و منظور من از کل مطلب طرحی بود که در مورد اداره مستقل داروخانه‌ها توسط افراد پراتیك به مجلس شورای اسلامی داده بودند، که در بخش آخر تحت عنوان «اما مطلب دوم» توضیح داده بودم. علی‌ایحال قصد من از ارسال آن مطلب انتقاد از شخص شما یا مطلب مندرج در شماره ۷ نبوده و خواسته بودم موضوعی در تأیید و در راستای نقد شما بر آن کتاب کذایی نوشته باشم.

با آرزوی موفقیت برای همه دست‌اندرکاران مجله و شخص جنابعالی

دکتر محمود زربخش‌زاده

سردبیر محترم مجله رازی:

احتراماً برحسب تصادف مجله داروئی رازی را مطالعه می‌کردم (گزارش یك واقعیت) نوشته آقای دکتر فریدون سیامك‌نژاد جلب نظر کرد چرا که ده‌ها و صدها نمونه آنرا خود شخصاً شاهد و ناظر بوده و هستم که اگر گه‌گاه

توصیه و اعمال نظرهای دکتر داروساز نبود معلوم نیست چه پیامدهای ناگواری پیش می‌آمد؟ و چه خوب بود اگر هر یك ازاین مثلث بیمار، پزشك، و داروساز جایگاه خود و دیگری را بحقیقت درك می کرد و بجای فاصله تفاهم وجود داشت که در این صورت ضایعات بحداقل تقلیل می‌یافت ولی آنچه برایم بسیار تلخ و ناگوار و موجب شگفتی گردید جبهه گیری و پاسخی بود که در صفحه ۷۱ شماره ۱۲ دی‌ماه ۶۹ بقلم آقای دکتر مهرداد سالور متخصص و انترن و رزیدنت بیمارستانهای آمریکا و... در اعتراض باین واقعیت ملموس چاپ شده بود. مضمون (گزارش یك واقعیت) نقل یك روش و سنت غلط و تلخ است. فردی به پزشك غیرمربوطه مراجعه کرده و بدون معاینات لازم مجوز خرید دارویی را بدست آورده‌و در مقابل راهنمائی دکتر داروساز (و دلسوز) و حصول اطمینان از لزوم مصرف این دارو مجدداً به پزشك مربوطه هدایت شده و پزشك دوم نیز بنا به‌اعتراف خود بدون معاینه، داروی مورد درخواست مریض را نسخه کرده‌است. بحث این‌است که پزشك بجای نقش معالج، نقش واسطه را داشته و در حقیقت حواله و چکی در وجه مریض برای دریافت دارو بداروخانه صادر کرده است و این مسلماً یك حقیقت تلخ و رایج است و آقای انترن و رزیدنت سابق بیمارستانهای آمریکا از این موضوع ساده برداشت دیگری کرده که با حسن‌نیتی که وجود دارد حمل بر پرمشغله‌ای ایشان می کنم.

ولی در نهایت خشوع باید یادآوری کنم که آنچه هر انسانی اعم از پزشك،داروساز، آهنگر و بنا و... را ملزم می کند که وظیفه‌اش را درست انجام دهد وجدان اوست و نه قسم‌نامه‌های بقراط و آئین‌نامه‌های آنچنانی. آخر مگر تنها داروی سقط جنین جرم است؟ شما که به لطف بهداشت عمومی، بیمار از سر و کولتان بالا می‌رود و فرصت سرخاراندن ندارید پس چه اشکالی دارد اگر متخصصین دارویی برحسب وظیفه گاه گداری با شما همکاری کرده و بیمار شما را از آثار و عواقب نامطلوب داروی تجویزی برحذر دارد.

مشهد ـ ضیاءالدین برهانی

همکار گرامی جناب دکتر فریدون سیامك‌نژاد

ضمن سلام، دریافت ماهنامهٔ داروئی رازی، شمارهٔ اول سال دوم را اعلام داشته، تشکر و سپاسگزاری می کنم. مقالهٔ طب سنتی در ایران و زمینهٔ تحقیقاتی آن نظر مرا بخود جلب کرد، امیدوارم این گونه مقالات که هم از نظر فرهنگی و هم از نظر اقتصادی حائز بسی اهمیت است بتواند در تحقیقات آینده این مملکت مؤثر واقع شود، چه امروزه تحقیقات زیادی در جهان در این زمینه بخصوص فارماکوگنوزی و فیتوتراپی انجام شده و نتایج ارزنده بسیار زیادی داشته است. از آنجا که اکثر گیاهان داروئی در ایران وجود دارد، جا دارد گوشه‌ای از تحقیقات به کاربرد این گیاهان در داروسازی کشور اختصاص یابد.

با تقدیم احترام

دکتر ابراهیم مصباحی‌شاد